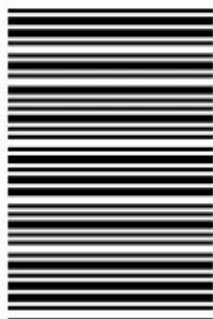


کد کنترل

101

D



101D

نام:

نام خانوادگی:

محل امضا:

 <p>«اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می‌شود.» امام خمینی (ره)</p> <p>جمهوری اسلامی ایران وزارت علوم، تحقیقات و فناوری سازمان سنجش آموزش کشور</p>	<p>صبح جمعه ۱۳۹۶/۱۲/۴ دفترچه شماره (۱)</p>			
<p>آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌متمرکز) - سال ۱۳۹۷</p> <p>رشته زبان و ادبیات فارسی (کد ۲۱۰۱)</p>				
<p>مدت پاسخگویی: ۱۲۰ دقیقه</p>	<p>تعداد سؤال: ۱۰۰</p>			
<p>عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات</p>				
ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	مجموعه دروس تخصصی: کلیات ادبی (تاریخ ادبیات، دستور، عروض و قافیه، نقد و نظریه‌های ادبی معاصر) - متون نظم و نثر - زبان عربی - متون نظم - متون نثر - بلاغت	۱۰۰	۱	۱۰۰
<p>این آزمون نمره منفی دارد.</p>		<p>استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.</p>		
<p>حق چاپ، تکثیر و انتشار سؤالات به هر روش (الکترونیکی و...) پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد، و با متخلفین برابر عقرات رفتار می‌شود.</p>				

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات جدول ذیل، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب با شماره داوطلبی در جلسه این آزمون شرکت می‌نمایم.

امضا:

■ ■ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ أَوْ التَّعْرِيبِ (۱ - ۹)

۱ - ﴿ وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ، إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا ﴾:

(۱) چیزی را که علم آن را نداری دنبال مکن، چه گوش و چشم و دل همگی و بطور جمعی پاسخگوی آن خواهند بود!

(۲) بر آنچه بدان وقوف نداری تکیه مکن، زیرا شنوایی و بینایی و قلب تو جمعاً در مورد آن سؤال خواهند شد!

(۳) از آنچه بدان علم نداری پیروی مکن، چه هر یک از گوش و چشم و دل در مورد آن پاسخگو می‌باشند!

(۴) بر چیزی که نمی‌دانی توقف مکن، زیرا شنوایی و بینایی و قلب همگی مسؤول آن خواهند بود!

۲ - « إِنْ أَقْعَدْنَا أَحَدًا مِنْكُمْ الْكِبَرَ عَنْ مَكْسَبِهِ وَ لِقَاءِ إِخْوَانِهِ، فَزُرُوهُ وَ عَظِّمُوهُ وَ اسْتَظْهِرُوا بِفَضْلِ تَجْرِبَتِهِ! »:

(۱) اگر کسی از بین شما بخاطر کبر و خودخواهی از کسب روزی باز ایستاد، پس شما او را دیدار کنید و کارش را بزرگ دارید و تجربه‌اش را آشکار کنید!

(۲) چنانچه کسی از شما در بزرگسالی از کار کردن و دیدار دوستان ناتوان شد، شما او را دیدار کنید و به بزرگداشت او بپردازید و از تجربه‌اش استفاده کنید!

(۳) اگر کهولت سن کسی را از بین شما از کار و کسب و دیدار یارانش بازداشت، به دیدارش بروید و بزرگش دارید و از نعمت تجربه‌اش کمک بگیرید!

(۴) چنانچه کسی را کهنسالی از کسب روزی ناتوان کرد و از دیدار برادران منع نمود، پس او را ببینید و بزرگ بدارید و بخاطر تجربه عظیمش یاریش کنید!

۳- « أَعْوَامٌ وَصَلِيٍّ، كَان يُنْسِي طَوْلَهَا نَكَرَ النَّوَى، فَكَأَنَّهُا أَيَّامًا! »:

- (۱) سالهای وصلی که یاد فراق، طولانی بودن آن را از یاد می‌برد، گویی که آن سالها روزهایی بیش نبودند!
- (۲) یاد لحظه‌های فراق سالیان پیوند و آشنایی را کوتاه می‌کند، گویی که آن سالها در چشم من بیش از چند روز نبوده‌اند!
- (۳) به خاطر آوردن جدایی طول مدت آشنایی و وصل را محو می‌کند، انگاری که تمام آن سالها طی چند روز اتفاق افتاده است!
- (۴) سالهای وصل را بخاطر می‌آورم، یاد جدایی از آن سالها مدت طولانی را از ذهن پاک می‌کند، مثل این است که روزها گذشته است!

۴- « وَ نُكْرِمُ جَارِنَا مَادَامَ فِينَا وَ نُتْبِعُهُ الْكِرَامَةَ حَيْثُ مَالَا! »:

- (۱) همسایه خود را مادام که بین ما است اکرامش می‌کنیم، و هر کجا برود کرامت خویش را به دنبال او روانه می‌سازیم!
- (۲) همسایه را تا وقتی در بین ما اقامت دارد احترام می‌کنیم، و چون از ما رویگردان شود باز هم او را اکرام می‌کنیم!
- (۳) هر کس را که به ما جور کند نیز مورد مکرمت خود قرار می‌دهیم، و به هر جا روی بیاورد کرم خویش را در پی او می‌فرستیم!
- (۴) آن کس را که در جوار ما بسر می‌برد در معرض احترام قرار می‌دهیم، و چون به سمتی روانه شود با اکرام به دنبال او می‌رویم!

۵- عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) إِلَى اللَّهِ أَشْكُو مِنْ مَعْشَرٍ يَعِيشُونَ جَهَالًا وَ يَمُوتُونَ ضَلَالًا،: من از گروهی که نادان زیست می‌کنند و گمراه می‌میرند، به الله شکایت می‌کنم،
- (۲) لَيْسَ فِيهِمْ سَلْعَةٌ أَبُورٍ مِنَ الْكِتَابِ إِذَا تَلَّى حَقَّ تِلَاوَتِهِ،: نزد آنان کالایی بی‌رونق‌تر از قرآن نیست هرگاه آنطور که شایسته آن است تلاوت گردد،
- (۳) وَ لَا سَلْعَةٌ أَغْلَى ثَمَنًا مِنَ الْكِتَابِ إِذَا حُرِّفَ عَنْ مَوَاضِعِهِ،: و نه کالایی گران‌بهارتر از قرآن است هرگاه از مواضع خود تحریف گردد،
- (۴) وَ لَا عِنْدَهُمْ أَنْكَرٌ مِنَ الْمَعْرُوفِ وَ لَا أَعْرَفٌ مِنَ الْمُنْكَرِ!،: و منکرتر از امر به معروف نزد آنان نیست و جز منکر از آنان نمی‌شناسم!

۶- « وَ مَا كُنْتُ مَمَّنْ أَدْرِكُ الْمَلِكَ بِالْمُنَى وَ لَكِنْ بَأَيَّامٍ أَشْبَهَ النَّوَاصِيَا! ». عَيْنُ الْأَقْرَبِ إِلَى مَفْهُومِ النَّبِيِّتِ:

- (۱) ای مسیح خوش نفس چونی ز رنج که نبود اندر جهان بی رنج گنج!
- (۲) عمر بگذشت و ندیدیم به خود روزبهی تا به کی ای فلک، این دور مکرر دیدن!
- (۳) موی سپید را فلکم به رایگان نداد این رشته را به نقد جوانی خریده‌ام!
- (۴) خواب نوشین بامداد رحیل باز دارد پیاده را ز سبیل!

۷- « إن كان لا يُغنيك ما يكفيك فكل ما في الأرض لا يُغنيك! ». عَيْن ما لايناسب مفهوم البيت:

- (۱) گدا را کند یک درم سیم سیر
 (۲) گفت چشم تنگ دنیا دوست را
 (۳) گنج زر گر نبود گنج قناعت بر پاست
 (۴) روده تنگ به یک نان جوین پر گردد
 فریدون به ملک عجم، نیم سیر!
 یا قناعت پر کند یا خاک گور!
 آنکه آن داد به شاهان، به گدایان این داد!
 نعمت روی زمین پر نکند دیده تنگ!

۸- « زنهار از اینکه در بین مردم چون حیلہ‌گران زندگی کنید و در بین مسلمین تفرقه بیفکنید! »: عَيْن الخطأ:

- (۱) إِيَّاكُمْ و المعيشة بين الناس كعيش الماكرين، و أن تفرقوا بين المسلمين!
 (۲) إِيَّاكُمْ إِيَّاكُمْ أن تعيشوا بين الناس عيشة الماكرين و تشقوا عصا المسلمين!
 (۳) حذار من العيش بين الأنام كما يعيشه المحتالين و أن لا تشقوا عصا المسلمين!
 (۴) أهدركم من أن تعيشوا بين الأنام عيش المحتالين و أن تبتوا الفرقة بين المسلمين!

۹- « برخی از صنایع ادبی در ضرب‌المثل‌های عربی نفوذ کرده بود، اما در تمام آنها عمومیت نداشت، بلکه بسیاری از این ضرب‌المثل‌ها خالی از هر نوع فن و بیانی بود، زیرا ضرب‌المثل‌ها عادتاً در زبان محاوره رایج است! ». عَيْن الصحيح:

- (۱) كانت قد تسربت الأمثال العربية في المجتمع العربي دون بعضه، و الأمثال الأدبية هذه كثيراً ما كانت خالية عن الفن و البيان، و كانت تسود في لغة التحوار كالعادة!
 (۲) بعض الصنائع الأدبية كانت قد تسربت في الأمثال العربية، و لكنها لا تعم كلها، بل كثير من هذه الأمثال كانت مغسولة من كل فن و بيان، لأن الأمثال تجري في لغة التخاطب عادة!
 (۳) من الصنائع الأدبية ما كانت تنفذ في الأمثال العربية، و لكن لا تشمل كل ذلك، بل كثيراً ما كانت الأمثال تضرب دون أي فن و بيان، لأن الأمثال هذه جارية في لغة الحوار كالعادة!
 (۴) كانت الصنائع الأدبية تدخل في أمثال اللغة العربية، و لكنها لا توجد في كلها، بل الأمثال العربية كانت تخلو من الفن و البيان كثيراً، و عامة الناس تستفيد منها في لغتها الدارجة عادة!

■ ■ عَيْن المناسب للجواب عن التشكيل (۱۰ و ۱۱)

۱۰- عَيْن الصحيح:

- (۱) إنما من علامات الفقه الجلم و الصمت!
 (۲) التواضع أن تعطى الناس ما تحب أن تعطاه!
 (۳) من أنصف الناس من نفسه رضي به حكماً بغيره و لأشك فيه!
 (۴) العامل عن غير بصيرة كالسائر على غير الطريق، لا يزيد سرعة السير إلا البعد!

۱۱- عین الخطأ:

- (۱) إِنَّ الَّذِينَ لَمْ يَهَيِّبُوا حُبَّ أجنحةً لَا يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يَطِيرُوا إِلَى مَاوراءِ الْغُيُومِ،
 (۲) لَيَرَوْنَ ذَلِكَ الْعَالَمَ السَّحْرِيَّ الَّذِي طَافَتْ فِيهِ رُوحِي فِي تِلْكَ السَّاعَةِ الْمُحْزِنَةِ،
 (۳) إِنَّ الَّذِينَ لَمْ يَتَّخِذُوا حُبَّ أَثْبَاعًا لَا يَسْمَعُونَ حُبَّ مُتَكَلِّمًا،
 (۴) فَهَمُّوْا وَإِنْ فَهَمُوا مَعَانِي هَذِهِ الصَّفَحَاتِ الضَّنَائِلَةِ لَا يُمَكِّنُهُمْ أَنْ يَرَوْا مَا وَرَاءَ ذَلِكَ!

■ ■ عین الصحیح عن الإعراب و التحلیل الصرفی (۱۲ - ۱۵)

۱۲- ﴿ذَلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مَهْلِكُ الْقَرْيَةِ بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا غَافِلُونَ﴾:

- (۱) أن: مخففة «أن» المشبهة بالفعل، اسمها ضمير الشأن، و الجملة اسمية و خبر للمبتدأ «ذلك»
 (۲) أهل: اسم جمع، و مرفوع على الابتداء، و الجملة اسمية و حالية، و صاحب الحال «مهلك» و الرابط ضمير «ها»
 (۳) يكن: فعل مضارع و مجزوم بحرف لم، و علامة جزمه حذف حرف العلة؛ من الأفعال الناقصة و اسمه «رب»
 (۴) القرى: جمع تكسير (مفردة: قرية، مؤنث)، مضاف إليه و مجرور محلاً في اللفظ، و في المعنى نائب فاعل لثبته الفعل «مهلك»

۱۳- ﴿آتُونِي زَبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ اتَّفَخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغَ عَلَيْهِ قَطْرًا﴾. عین الصحیح:

- (۱) ساوى: فعل ماضٍ من باب مفاعلة و لفيف مقرون، و فاعله الضمير المستتر فيه جوازاً تقديره «هو» و الجملة فعلية و في محل نصب على الظرفية!
 (۲) آتوا (الأولى): فعل أمر من المجرد الثلاثي، معتل و ناقص (إعلاله بالحذف)، و مبني على حذف نون الإعراب
 (۳) قطراً: متنازع عليه، و هو إما مفعول ثانٍ لفعل «آتوا» أو مفعول لفعل «أفرغ» و العامل الآخر مستغن عن المعمول
 (۴) أفرغ: متنازع عليه، مجرد ثلاثي و جواب طلب و مجزوم على أنه جواب لشرط محذوف مع أدواته

- ۱۴- « ما ملوم المتأني » و « ما مشكورون البخلاء ». عین الصحيح عن الكلمتين « المتأني » و « مشكورون »:
- (۱) صفة مشبهة على وزن اسم الفاعل، مبتدأ مؤخر و مرفوع بضمّة ظاهرة / اسم « ما » شبيه بليس و مرفوع بالواو
- (۲) اسم فاعل و مصدره « تأني » و نائب فاعل لشبه الفعل « ملوم » / اسم مفعول و خبر مقدّم و مرفوع بالواو
- (۳) فاعل لشبه الفعل « ملوم » و مرفوع بضمّة مقترنة / صفة مشبهة و هو « فعول » بمعنى مفعول، و مبتدأ و مرفوع
- (۴) مشتق و اسم فاعل و مصدره « تأن » و مرفوع بضمّة مقترنة / مشتق و اسم مفعول و شبه الفعل و فاعله « البخلاء »
- ۱۵- « عليكم بالتواصل و التبادل، و إياكم و التدابر و التقاطع! ». عین الصحيح عن إعراب « عليكم » و « إياكم »:
- (۱) شبه جملة و خبر مقدّم وجوباً / محذّر منه و مبتدأ و مرفوع محلاً
- (۲) جار و مجرور و محذّر منه / اسم فعل مرتجل و فاعله ضمير « كم » البارز
- (۳) اسم فعل منقول من الجار و المجرور / مفعول به لفعل محذوف من باب التحذير
- (۴) مفعول به لفعل محذوف من باب الإغراء / محوّل من الضمير المتصل لتعدّر تقدّره

■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۱۶-۲۰)

- ۱۶- عین الخطأ عن صيغة الأسماء التي أشير إليها بخط:
- (۱) ﴿ قالوا معذرة إلى ربكم ﴾ (مصدر ميمي)
- (۲) سبّح لله تسبيحة (اسم النوع أو الهيئة)
- (۳) ﴿ يظنون بالله غير الحق ظنّ الجاهلية ﴾ (مصدر صناعي)
- (۴) أطلب الإجابة عند اقشعرار الجلد و عند إفاضة العبرة! (مصدر رباعي مزيد)
- ۱۷- عین اسم الفعل بمعنى الأمر:
- (۱) مه، ما هذا الفضول!
- (۲) هيهات الذلّة منّا!
- (۳) بخّ لك على هذا التقدّم!
- (۴) شتّان ما بين المجتهد و الكسلان!
- ۱۸- عین ما ليس فيه حرف جر زائد:
- (۱) ﴿ أليس الله بأحكم الحاكمين ﴾
- (۲) ﴿ و ما الله بغافل عما تعملون ﴾
- (۳) ﴿ ما ترى في خلق الرّحمن من تفاوت ﴾
- (۴) ﴿ كتاب أنزلناه إليك لتخرج الناس من الظلمات إلى النور ﴾

۱۹- عین الخطأ (في العدد):

- (۱) إنه أتى لنا بمائة دليل و نيف ليثبت مدعاه!
- (۲) له ست و نيف من المقالات العلمية البارعة!
- (۳) يدرس في كليتنا ألف و نيف من الطلبة و الطالبات!
- (۴) كان يطالبنا من الأجرة تسعين و نيفاً من التومانات!

۲۰- عین الخطأ في إعراب المستثنى:

- (۱) ما نجح من طالبات صفنا إلا عشرين منهن!
- (۲) لم يبق في الصف إلا خمسة و عشرين من الطلبة!
- (۳) لن يفوز في السباق إلا هؤلاء المتأبرون في التدريب!
- (۴) لم يفز في سباق العام الماضي إلا المتأبرون و المتأبرات!

۲۱- بیت زیر به چه نکته‌ای اشاره دارد؟

«لم يذق لم يدر» هرکس کاو نخورد کی به وهم آرد جعل انفاس ورد

- (۱) معرفت مستلزم قابلیت است.
- (۲) کوشش مقدمه جشش است.
- (۳) بیماردل از بوی خوش بی نصیب است.
- (۴) معرفت مقدمه ایمان است.

۲۲- معنی بیت زیر کدام مورد است؟

«شرط من جاء الحسن نه کردن است این حسن را سوی حضرت بردن است»

- (۱) شرط تحقق عمل صالح، دوری از ریا و خلوص نیت است.
- (۲) شرط انجام حسنه نفی ماسوی و پذیرش حق و رفتن به سوی خداوند است.
- (۳) صرف انجام دادن فعل، ملاک نیست، بلکه حقیقت عمل باید به خداوند برسد.
- (۴) شرط دستیابی به اجر و پاداش الهی در انجام عمل، خود را در بارگاه الهی دیدن است.

۲۳- مفهوم بیت زیر چیست؟

«هر که محراب نمازش گشت عین سوی ایمان رفتنش می‌دان تو شین»

- (۱) کسی که توفیق عبادت یافت، بحث از ایمانش نابجاست.
- (۲) آن که در محراب نماز به مقام مشاهدت رسید، از بند ایمان برخاست.
- (۳) آن که محراب نمازش به شوائب آلوده است، ادعای ایمان سزاوار او نیست.
- (۴) کسی را که درجه مشاهدت حاصل شده باشد، باقی ماندن در ایمان، نقص اوست.

۲۴- مضمون بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

«اصبع لطف است و قهر و در میان کلک دل با قبض و بسطی در بنان»

- (۱) دل عامل قبض و بسط است.
- (۲) بنان در میان لطف و قهر سرگردان است.
- (۳) کشتی دل غرق دریای قبض و بسط است.
- (۴) دل مانند قلمی است در دست لطف و قهر الهی.

- ۲۵- مقصود از کاربرد «هرآ» در کدام بیت، با بقیه متفاوت است؟
- (۱) سلطان یک سواره گردون به جنگ دی
(۲) تو را امان ز امل به که اسب جنگی را
(۳) بر در مرقد سلطان هوی ز ابلق چرخ
(۴) زان رخس جوزا پاردم چون جوهر برسته دم
- ۲۶- مفهوم کلی بیت زیر، با کدام گزینه شباهت دارد؟
«کرده‌اند از زاده مریخ عقرب‌خانه‌ای
(۱) طاووس بین که زاغ خورد وانگه از گلو
(۲) تیرش زحل بسوزد کز کام حوت گردون
(۳) تیغ او خواهد گرفتن روم و هند از بهر آنک
(۴) سعد ذابح بهر قربان تیغ مریخ آخته
- ۲۷- مفهوم کلی بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟
«صد عنایت‌نامه گردون حنابر کرده گیر
(۱) تقدیر بر تدبیر غالب است.
(۲) تقدیر بر تدبیر غالب است.
(۳) همیشه تقدیر و تدبیر موافق نیستند.
- ۲۸- معنی ترکیب «آب دندان» موجود در بیت زیر با «آب دندان» کدام بیت مترادف است؟
«اگر آب دندان بود میزبان
(۱) لبانت آب دندان در برابر
(۲) چون چغندر نوعی مسکین نمی‌بیند به خواب
(۳) حریفی زهره طبع و آب دندان
(۴) حادثه در نرد درد و فتنه در شطرنج رنج
- ۲۹- مفهوم بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟
«ز آتش دل چو سوخت آب نهاد
(۱) وقتی از سویدای دل آهی کشید، مقام او به افلاک رسید.
(۲) چون آتش دل او آه از نهاد او برآورد، از همه هستی دست کشید.
(۳) وقتی آب بر آتش هوی و هوس ریخت، چرخ زیر فرمان او درآمد.
(۴) چون انانیت خویش را با آتش عشق سوزاند، باد تحت فرمان او درآمد.
- ۳۰- معنای بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟
«بشناسی ز راه دیده روح
(۱) ارتزاق از حق چون در رسد، دین حقیقی آغاز می‌شود.
(۲) فتوح چون دست دهد چشم دل صوفی را روشن می‌گرداند.
(۳) چون صوفی بر شیطان نفس غالب شود، چشم دلش بینا می‌شود.
(۴) چون فتوح الهی در رسد، به چشم جان حقیقت دین را درخواهی یافت.
- ۲۵- بر چرمه تنگ بندد و هرآ برافکند
به روز معرکه برگستوان به از هرآ
مرکب داشته را ناله هرآ شنوند
گلگون چرخ افکنده سم شیرنگ هرآ ریخته
- باز مریخ زخل خور در میان افشاندند
گاورس ریزه‌های منقاً برافکند
بر قبضه کمانش دندان تازه بینی
این دو جا را هست مریخ و زحل فرمانروا
جرم کیوانش چو سنگ مگی افسان دیده‌اند
- چون ز دیوانت به جان کردند خصمی را برات
(۲) قضای آسمانی، مؤید حکم توست.
(۴) قضای آسمانی، در برابر حکم تو هیچ است.
- بدان شهر خرم دو هفته بمان
پیاپی کرده جام می سراسر
سخت از وی آرزوی آب دندان مضحک است
چو خورشید آتشین چون صبح خندان
بدسگالت را حریف آب دندان یافته
- خاک بر دوش باد چرخ نهاد
(۱) وقتی از سویدای دل آهی کشید، مقام او به افلاک رسید.
(۲) چون آتش دل او آه از نهاد او برآورد، از همه هستی دست کشید.
(۳) وقتی آب بر آتش هوی و هوس ریخت، چرخ زیر فرمان او درآمد.
(۴) چون انانیت خویش را با آتش عشق سوزاند، باد تحت فرمان او درآمد.
- فاتحه‌ی دین چو روی داد فتوح
(۱) ارتزاق از حق چون در رسد، دین حقیقی آغاز می‌شود.
(۲) فتوح چون دست دهد چشم دل صوفی را روشن می‌گرداند.
(۳) چون صوفی بر شیطان نفس غالب شود، چشم دلش بینا می‌شود.
(۴) چون فتوح الهی در رسد، به چشم جان حقیقت دین را درخواهی یافت.

۳۱- تلقی شاعر از عقل در کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) عقل کانجا رسید سر بنهد
مرغ کانجا پرید پر بنهد
(۲) خرد از تو تویی برد جاوید
آب را در هوا کشد خورشید
(۳) هر کجا نطق عقل برزد دم
حرف و آواز درخزد به عدم
(۴) عقل برتر ز وهم و حسن و قیاس
برتر است از فلک، ستاره‌شناس

۳۲- با توجه به بیت زیر، کدام گزینه مراد شاعر را بیان می‌کند؟

«چون شود حکمت قدم ساقی
تو کنی اختیار در باقی»

- (۱) اگر حکمت الهی را اختیار کنی جاودانه خواهی شد.
(۲) اگر از حکمت الهی نصیب ببری، بقا را اختیار خواهی کرد.
(۳) اگر از حکمت الهی برخوردار شوی اختیار خود را رها خواهی کرد.
(۴) اگر ساقی تو حکمت قدم باشد باقی عمر را به اختیار خواهی زیست.

۳۳- بیت زیر با کدام گزینه تناسب معنایی دارد؟

- «در میان است هر که را هستی است
از پی نیستی میان تو را»
(۱) هیچ است آن دهان و نبینم از او نشان
موی است آن میان و ندانم که آن چه پوست
(۲) از پی ضعف میان حرز چه جویی ز من
خدمت خسرو نه بس حرز میان تو را
(۳) میان او که خدا آفریده است از هیچ
دقیقه‌ای است که هیچ آفریده نگشاده است
(۴) هیچ اگر بینمی شکل میان تو را
جان نهمی بر میان، بهر میان تو را

۳۴- در بیت زیر، «کسی را با کسی در کمر کردن» کنایه از چیست؟

- «بست موری را کمر چون موی سر
کرد او را با سلیمان در کمر»
(۱) دو کس را به هم نزدیک کردن.
(۲) از کسی در مقابل دیگری دفاع کردن.
(۳) دو کس را در مقابل هم قرار دادن.
(۴) کسی را به خدمتگزاری دیگری واداشتن.

۳۵- مفهوم بیت زیر، در کدام گزینه آمده است؟

«هیچ چیز از بی‌نهایت بی‌شکی
چون به سر ناید کجا ماند یکی»

- (۱) از بی‌نهایت هیچ چیز آشکار نمی‌شود چه برسد به کسی یا چیزی.
(۲) چون هیچ چیز، خارج از بی‌نهایت نیست، غیر او چیزی وجود ندارد.
(۳) هیچ چیز از بی‌نهایت جدا نیست پس آن وجود واحد در کجا قرار می‌گیرد؟
(۴) هر چیز از بی‌نهایت صادر می‌شود پس تصور موجودی مستقل جدای از او ممکن نیست.

۳۶- کدام مورد برای معنای بیت زیر درست است؟

«هم ز «أفضاکم علی» جان آگه است
هم علی مفسوس فی ذات الله است»

- (۱) جان علی از عدل آگاهی دارد و او محو جمال الهی است.
(۲) علی نیک داورترین شما و دلشده ذات خداوند است.
(۳) جان از قضاوت عادلانه آگاه است و عدل از صفات ذات الهی است.
(۴) جان آدمی از قضای الهی آگاهی دارد هم‌چون علی که از ذات او آگاه است.

- ۳۷- اشارت کدام بیت در نصّ قرآن کریم نیست؟
 (۱) چه گویم آن خط سبز و دهان شیرین را
 (۲) هرکه امروز نبیند اثر قدرت او
 (۳) اگر سفینه شعرم روان بود نه عجب
 (۴) سزد که روی عبادت نهند بر در حکمش
- ۳۸- مفهوم کدام بیت درست است؟
 (۱) ایها الناس جهان جای تن آسانی نیست
 جهان قدر مردان دانا را نمی‌داند.
 (۲) چه سود ریزش باران و عظم بر سر خلق
 نصیحت تنها برای خاموشان سودمند است.
 (۳) امثال ما به سختی و تنگی نمرده‌اند
 سختی‌ها و تنگی‌های روزگار خلعت مردان خداست.
 (۴) به خاک پای تو ماند یمین غیر مکفر
 قسم مؤمنان به خاک پای تو نشان شناخت راستی است.
- ۳۹- مفهوم بیت عربی زیر، در کدام گزینه آمده است؟
 «وَالله لَمِ أَشْمَتٌ به فَالْكُلُّ رَهْنٌ لِلْمَمَاتِ»
 (۱) پس مرگ آن کس نباید گریست
 (۲) فراموش کردی مگر مرگ خویش
 (۳) گر از خاک مردان سبویی کنند
 (۴) مکن شادمانی به مرگ کسی
- ۴۰- کدام بیت ارتباط معنایی کمتری با ابیات دیگر دارد؟
 (۱) هنوزش آفتاب از ابر پاک است
 (۲) هنوزش گرد گل نارسته شمشاد
 (۳) هنوزش پرّ یغلق در عقاب است
 (۴) هنوز از عشقبازی گرم داغ است
- ۴۱- مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟
 (۱) به مأمنی رو و فرصت شمر بقیت عمر
 (۲) باده خور غم مخور و پند مقلد منیوش
 (۳) دسترنج تو همان به که شود صرف به کام
 (۴) برو به هر چه تو داری بخور دریغ مخور
- ۴۲- با توجه به بیت زیر مفهوم «شرب الیهود» در کدام گزینه آمده است؟
 «حوال شیخ و قاضی و شرب الیهودشان»
 (۱) دانی که چنگ و عود چه تقریر می‌کنند
 (۲) ساقی حدیث سرو و گل و لاله می‌رود
 (۳) نگویمت که همه ساله می‌پرستی کن
 (۴) می‌خور که هر که آخر کار جهان بدید
- بجز خضر نتوان گفت و چشمه حیوان
 غالب آن است که فرداش نبیند دیدار
 که می‌رود به سرم از تنور دل، طوفان
 مصوری که تواند نگاشت نقش چنین را
- مرد دانا به جهان داشتن ارزانی نیست
 چو خلق را به ارادت صدف دهانی نیست
 ما خود چه لایقیم به تشریف اولیا
 کز آن زمان که بدانستم از یسار، یمین را
- لکن من طیب الحیاة أن تری موت العداة»
 که روزی پس از مرگ دشمن بزیست
 که مرگ منت ناتوان کرد و ریش
 به سنگش ملامت‌کنان بشکنند
 که دهرت نمآند پس از وی بسی
- ز ابر و آفتاب او را چه باک است؟
 ز سوسن سرو او چون سوسن آزاد
 هنوزش برگ نیلوفر در آب است
 هنوزش شور شیرین در دماغ است
- که در کمین‌گه عمرند فاطعان طریق
 اعتبار سخن عام چه خواهد بودن
 دانی آخر که به ناکام چه خواهد بودن
 که بی‌دریغ زند روزگار تیغ هلاک
- کردم سؤال صبحدم از پیر می‌فروش»
 پنهان خورید باده که تعزیر می‌کنند
 وین بحث با ثلاثه غساله می‌رود
 سه ماه می‌خور و نه ماه پارسا می‌باش
 از غم سبک برآمد و رطل گران گرفت

- ۴۳- مفهوم اصلی بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟
 «صداع هستی ما را علاج تسلیم است
 بس است صندل اگر سوده‌ایم پیشانی»
 (۱) بیماری نفس را باید با رام کردنش علاج کرد.
 (۲) فقط با سجده تسلیم است که می‌توان از دردسر انانیت رست.
 (۳) هستی رنج‌آور است و فقط تسلیم آدمی از رنجش می‌کاهد.
 (۴) باید تسلیم درد وجود شد زیرا تقدیر و پیشانی نوشت آدمی است.
- ۴۴- با توجه به نوع رابطه معنایی «نفس و آینه» کدام بیت با بیت‌های دیگر متفاوت است؟
 (۱) برگشت ز لب، جان به تن خسته دگر بار
 تا روی تو آینه مرا پیش نفس داشت
 (۲) امروز نیست غیر دل بی‌غبار ما
 آینه‌ای که پیش نفس می‌توان گرفت
 (۳) دل من تیره ز بسیاری گفتار شده‌ست
 زین پریشان‌نفس آینه من تار شده‌ست
 (۴) حیرت حسن تو از هوش، چمن را برده‌ست
 شبنم آینه به پیش نفس گل دارد
- ۴۵- با توجه به ویژگی صبا، کدام بیت با بیت‌های دیگر متفاوت است؟
 (۱) چون صبا با تن بیمار و دل بی‌طاقت
 به هواداری آن سرو خرامان بروم
 (۲) کاهل روی چو باد صبا را به بوی زلف
 هر دم به قید سلسله در کار می‌کشی
 (۳) به هر دو گام صبا دم زند سه جای هنوز
 ز ناتوانی بر وی همی فتد خفقان
 (۴) اندر آن ساعت که بر پشت صبا بندند زین
 با سلیمان چون برانم من که مورم مرکب است؟
- ۴۶- معنی دقیق بیت زیر از کدام گزینه، استنباط می‌شود؟
 «بی‌درد و غم عشق گرمی نشود دل
 از گرد یتیمی، پی تعمیر گهر باش»
 (۱) همچنان که ارزش مروارید به یتیمی او در صدف است، ارزش دل نیز به تحمل غم عشق است.
 (۲) به‌کار گرفتن گرد یتیمی، لازمه عمارت گوهر است؛ چنان‌که آبادانی دل نیز از درد عشق است.
 (۳) همچنان که برای شفاف کردن مروارید، آن را خاکستر سود می‌کنند، دل را با غم عشق صیقل می‌زنند.
 (۴) دل باید در راه عشق، درد و غم تحمل کند تا گرمی و گرد یتیمی از او زایل شود.
- ۴۷- «دست باز داشتن از شبهت‌ها و ترک مالایعنی» به کدام معنا است؟
 (۱) وزع
 (۲) زهد
 (۳) توبه
 (۴) عزلت
- ۴۸- عبارت زیر در توصیف کدام یک از وجوه ملامت است؟
 «وی را از ملامت خلق باک نباشد و اندر همه احوال بر سر رشته خود باشد. به هر نام که خوانندش، و را یکی باشد.»
 (۱) آزاد بودن
 (۲) قصدکردن
 (۳) ترک‌کردن
 (۴) راست رفتن
- ۴۹- با توجه به جمله «و دیار دثار انوار و ازهار درسرگرفت.» کدام گزینه درست است؟
 (۱) اوضاع زمانه دگرگون گشت.
 (۲) زمین جامه زیبایی بر تن کرد.
 (۳) زمین پر از گل و شکوفه شد.
 (۴) اوضاع مملکت سر و سامان یافت.

- ۵۰- در عبارت زیر مقصود از «صحیفه متلمس» چیست؟
 «مجیرالملک مکتوب او را که صحیفه متلمس بود، بدو داد که اِقرأ کتابک.»
 (۱) نامه سری
 (۲) نامه هلاک
 (۳) نامه سرگشاده
 (۴) نامه درخواست
- ۵۱- «ابن دایه» در عبارت زیر به کدام معنی است؟
 «اطفال شیرخواره را پستان منیت در دهان حیات نهادند و دایه از ابن دایه ترتیب داد.»
 (۱) باز
 (۲) کلاغ
 (۳) کرکس
 (۴) عقاب
- ۵۲- مفهوم جمله «عرض من از معارض و ملابس تلبیس مستغنی [است]»، کدام است؟
 (۱) آبروی من از آلودگی به نیرنگ و فریب به دور است.
 (۲) رفتارم مرا از نیرنگ و فریب بی‌نیاز می‌کند.
 (۳) ریاکاری نمی‌تواند آبروی مرا حفظ کند.
 (۴) آبرویم پنهان‌کاری را اقتضا می‌کند.
- ۵۳- مفهوم جمله «بشاعت آن در مذاق خرد اثر کند.» چیست؟
 (۱) سیری عقل را زایل می‌کند.
 (۲) مذاق خرد آن را پس می‌زند.
 (۳) ناگواری آن، خرد را بیمار می‌کند.
 (۴) بویناکی آن برای خرد خوشایند نیست.
- ۵۴- با توجه به عبارت زیر کدام گزینه درست است؟
 «رحمت از سدنه خوابگاه استراحت اوست و رضوان از خزنه خلوت سرای سلوت او.»
 (۱) سدنه: پرده‌دار
 (۲) خزنه: خزانه‌دار
 (۳) سلوت: تسلیم
 (۴) رضوان: خشنودی
- ۵۵- از نظر عزالدین کاشانی به چه دلیلی «بنای احوال عالیه بر محبت است؛ همچنان که بنای جمیع مقامات شریفه بر توبت است»؟
 (۱) محبت مبنای احوال است؛ همچنان که توبت مبنای مقامات است.
 (۲) محبت مانند احوال دیگر، در معرض زوال است و توبت همانند مقامات دیگر، پایدار.
 (۳) محبت از مقامات است و مقامات مبنای احوال؛ همچنان که توبت از احوال است و احوال مبنای مقامات.
 (۴) محبت از احوال است و احوال جمله از مواهب‌اند و توبت از مقامات است و مقامات جمله از مکاسب‌اند.
- ۵۶- مفهوم عبارت زیر در کدام گزینه آمده است؟
 «پسندیده‌تر سیرتی ملوک را آن است که ... در هیچ وقت اخلاق خود را از لطفی بی‌ضعف و عنفی بی‌ظلم خالی نگذارند.»
 (۱) نرمی و تندخویی در اخلاق ملوک نباید از روی عجز و ستم باشد.
 (۲) ملوک باید در اخلاق خود نرمی زیاد و ستیزه‌جویی کم داشته باشند.
 (۳) در اخلاق ملوک باید نرمی زیاد و سخت‌گیری دادگرانه باشد.
 (۴) در اخلاق ملوک نرمی به توانگران و درشتی به ستمدیدگان ناپسند است.

* متن زیر را بخوانید و به پرسش‌های ۵۷ تا ۶۰ پاسخ دهید.

آن قلعه‌ای بود که هنگام استیلای آن طایفه، پدرش علاءالدین به کفات و ارکان اشارت کرده بود تا مدت دوازده سال قلال و تلال آن جبال را مطالعه می‌کردند تا آن کوه سرافراز را اختیار کردند و بر قلعه آن که چشمه آب در دهان و دو سه دیگر بر کمرگاه داشت قلعه میمون‌دز آغاز نهادند و فصیل و دیوارها را به گچ و سنگ ریخته ساختند و از ماورای آن به مقدار یک فرسنگ جویی چون جوی ارزیز برکشیدند و آب در اندرون آوردند و در آن موضع از افراط سرما حیوان را از ابتدای خریف تا میان بهار امکان آرام و مکان مقام میسر نه و بدین سبب در خیال آن که جبال آن را که بر یکدیگر مُلتوی بود عقاب در عقاب نکول می‌کرد و نخچیر در پایه آن عدول می‌جست، از غایت رفعت آن مکان ابنای آدم بدان تعدی یابند.

۵۷- کدام گزینه در باب اوصاف قلعه توصیف شده درست است؟

- (۱) مساحت قلعه یک فرسنگ بود.
 (۲) دور تا دور قلعه خندق کنده بودند.
 (۳) درون خندق را از ارزیز پر کرده بودند.
 (۴) برج‌هایی دور تا دور قلعه ساخته بودند.

۵۸- منظور از «آن طایفه» در متن فوق، چه کسانی است؟

- (۱) علویان (۲) دیلمیان (۳) خوارزمشاهیان (۴) اسماعیلیان

۵۹- کدام گزاره از متن، استنباط نمی‌شود؟

- (۱) درون قلعه چشمه آبی وجود داشت.
 (۲) ساخت قلعه دوازده سال به طول انجامید.
 (۳) محاصره و تسخیر قلعه بسیار دشوار می‌نمود.
 (۴) قلعه در کوهستان صعب‌العبور بنا شده بود.

۶۰- کدام عبارت به اقتضای متن درست است؟

- (۱) عقاب از رسیدن به بلندی برج و باروی قلعه پر می‌ریخت.
 (۲) حیوانات از ابتدای پاییز تا اواسط بهار در قلعه محبوس می‌شدند.
 (۳) از اوایل پاییز تا اواسط بهار با وجود سرما، ملاحظه در قلعه پناه می‌گرفتند.
 (۴) از اوایل پاییز تا اواسط بهار، قلعه استراحتگاه وحوش و نخچیران بود.

۶۱- کدام گزینه به مفهوم عبارت زیر نزدیک است؟

«امیر جیوش را مطوعه نه به توقع جامگی و اقطاع، و نه به انتظار دخل و ارتفاع»

- (۱) از امیر جیوش برای حقوق و دریافت زمین و به انتظار درآمد و سود اطاعت نمی‌کنند.
 (۲) امیر جیوش برای حقوق و زمین و به انتظار درآمد و سود از پادشاه اطاعت نمی‌کند.
 (۳) از امیر جیوش برای افزایش حقوق و دریافت زمین و به انتظار درآمد و بخشش خراج اطاعت نمی‌کنند.
 (۴) امیر جیوش برای افزایش حقوق و دریافت زمین و به انتظار درآمد و بالا رفتن رتبه از پادشاه اطاعت نمی‌کند.

۶۲- کدام اصطلاح عرفانی درست معنی شده است؟

- (۱) اصطلاح: تأثیر انوار حق باشد به حکم اقبال به دل مقبلان.
 (۲) تجلی: اعراض باشد از اشغال مانع مرینده را از خداوند به حکم تشریف عنایت.
 (۳) اختیار: امتحان دل اولیاست به گونه‌گونه بلاها که از حق تعالی بدان آید از خوف و حزن.
 (۴) تجلی: غلبات حق بود که کلیت بنده را مقهور خود گرداند به امتحان لطف اندر نفی ارادتش.

۶۳- معنای ترکیب فعلی «بد افتادن از» در عبارت زیر چیست؟

«ششم عفت است باید که عقیف‌النفس باشد تا مرید را از وی بد نیفتد و فساد ارادت پدید نیارد.»

- (۱) بیزار شدن (۲) متضرر شدن (۳) به‌گناه افتادن (۴) سوءظن یافتن

- ۶۴- معنای بی‌خردگی در عبارت زیر چیست؟
 «چون تو برگرفتی هم تو بدار، ما را با ما بنگذار و بدین بیخردگی معذوردار ...»
 (۱) گستاخی
 (۲) گناهکاری
 (۳) کم‌خردی
 (۴) کوچکی و حقارت
- ۶۵- کدام گزینه درباره عبارت زیر درست است؟
 «اگر این حوالت راست است، موقع اختزال اندرآن به کفران نعمت و دلیری بر سبک‌داشت مخدوم بدان مقرون است.»
 (۱) دلیری بر سبک‌داشت مخدوم شبیه کفران نعمت و اختزال است.
 (۲) اختزال با کفران نعمت و دلیری بر سبک‌داشت مخدوم همراه است.
 (۳) دلیری بر سبک‌داشت مخدوم به کفران نعمت پیوسته‌تر است تا به اختزال.
 (۴) اختزال به کفران نعمت نزدیک‌تر است تا به دلیری بر سبک‌داشت مخدوم.
- ۶۶- کدام گزینه، مفهوم عبارت زیر را در بردارد؟
 «به حکایت صفت همان دوستی حاصل آید که به مشاهدت صورت.»
 (۱) لیس الخیر کالمعاینه.
 (۲) به دیدن فزون آمد از آگهی.
 (۳) فلما التقینا صغر الخبر الخیر.
 (۴) والأذن تعشق قبل العين أحياناً.
- ۶۷- مفهوم عبارت زیر در کدام مثل آمده است؟
 «هیچ مشاطه جمال عفو و احسان مهتران را چون زشتی جرم و جنایت کهتران نیست.»
 (۱) والضد یبرز حسنه الضد.
 (۲) ضدان لما اجتماعا حسنا.
 (۳) إن الحسان مظنة للخسئد.
 (۴) و فی الشر نجاته حین لا ینجیک احسان.
- ۶۸- عبارات زیر در توصیف کدام مرتبه از مراتب تقرب بنده به حق تعالی است؟
 «و آن حاضر آمدن بود به صفت بیان اندر حال بی‌سبب تأمل و راه جستن، و دواعی شک را بر وی دستی نبود و از نعت غیب بازداشته نبود خداوند آن مبسوط بود به صفات او، و صاحب آن را علمش نزدیک کند.»
 (۱) مشاهده
 (۲) مکاشفه
 (۳) محاضره
 (۴) مراقبه
- ۶۹- اولین مجموعه شعر نیمایی را کدام شاعر و به چه نامی منتشر کرد؟
 (۱) منوچهر شیبانی - جرقه
 (۲) تندرکیا - نهیب شاهین
 (۳) محمد مقدم - راز نیمه شب
 (۴) اسماعیل شاهرودی - آخرین نبرد
- ۷۰- کدام مورد درباره شعر «کانکریت» درست است؟
 (۱) نوعی شعر است که زمان و مکان در آن برجسته می‌شود.
 (۲) نوعی شعر است که از بازی‌های زبانی - بصری پرهیز می‌کند.
 (۳) نوعی شعر است که جنبه دیداری - گرافیکی آن برجسته می‌شود.
 (۴) نوعی شعر است که بر تصاویر ذهنی - انتزاعی تأکید می‌کند.

- ۷۱- طالبوف، آخوندزاده، مراغه‌ای و میرزا حبیب اصفهانی هر کدام به ترتیب در چه زمینه‌های مشهورند؟
 (۱) داستان اجتماعی، سفرنامه تخیلی، رمان تاریخی، ترجمه
 (۲) رساله‌های آموزشی، نمایشنامه‌نویسی، سفرنامه تخیلی، ترجمه
 (۳) رمان تاریخی، نمایشنامه‌نویسی، رمان اجتماعی، سفرنامه‌نویسی
 (۴) سفرنامه تخیلی، رمان اجتماعی، نمایشنامه‌نویسی، رسانه‌های آموزشی
- ۷۲- پیشگامان نقد ادبی در دوره معاصر در کدام گزینه آمده است؟
 (۱) تقی رفعت - علی دشتی - خانلری
 (۲) آخوندزاده - فاطمه صیاح - ملک‌الشعرای بهار
 (۳) زین‌العابدین مراغه‌ای - رضا براهنی - عبدالعلی دستغیب
 (۴) ابوالقاسم لاهوتی - ماشاءاله آجودانی - اسماعیل نوری علا
- ۷۳- کدام اثر، قدیم‌ترین حماسه دینی محسوب می‌شود؟
 (۱) علی‌نامه (۲) خاوران‌نامه (۳) حمله حیدری (۴) افتخارنامه حیدری
- ۷۴- کدام اثر از شیخ ابوالنجیب سهروردی در تبیین ناسازگاری فلسفه با دین نوشته شده است؟
 (۱) اعلام‌التقی (۲) حکمة‌الاشراق
 (۳) المشارح و المطارحات (۴) رشف‌التصایح‌الایمانیه و کشف‌الفضائح‌الیونانیه
- ۷۵- درباره فعالیت ادبی ایرانیان در سه قرن نخست اسلامی کدام گزینه درست است؟
 (۱) بیشتر فعالیت ادبی ایرانیان، بر زبان پهلوی و دیگر زبان‌های ایرانی متمرکز بود.
 (۲) انتقال ادبیات ایران پیش از اسلام به دوره اسلامی در این سه قرن صورت گرفت.
 (۳) ایرانیان در این سه قرن، درگیر سازگاری با وضعیت جدید بودند و فعالیت ادبی نداشتند.
 (۴) ایرانیان، دو قرن نخست را به سکوت گذراندند و از قرن سوم به تولید آثار عربی پرداختند.
- ۷۶- حاره چیست و متعلق به کدام دوره تاریخ ادبی ایران است؟
 (۱) آوازه‌های عاشقانه به زبان عربی در قرن هشتم هجری
 (۲) آوازه‌های عاشقانه نواحی غرب ایران در قرن چهارم هجری
 (۳) نوعی شعر عامیانه با مضمون هجو در قرون نخستین اسلامی
 (۴) نوعی شعر عروضی به زبان پهلوی، مربوط به پیش از اسلام
- ۷۷- کدام گزاره عروضی، درست است؟
 (۱) فع از مفعولات منحور است.
 (۲) فاعلات از فاعلاتن مقصور است.
 (۳) فع لن از فعولن اصلم است.
 (۴) مفعولن از مستفعلن مرفوع است.
- ۷۸- بیت زیر در کدام وزن و بحر سروده شده است؟
 «چونک نکو ننگری جهان چون شد
 خیر و صلاح از جهان جهان چون شد»
 (۱) مفتعلن فاعلاتن مفعولن، منسرح
 (۲) فاعلاتن فاعلاتن مفتعلن، قریب
 (۳) فاعلاتن مفتعلن فاعلاتن، خفیف
 (۴) مفتعلن فاعلاتن مفتعلن، مقتضب
- ۷۹- شکل اصلی بحر قریب در کدام گزینه آمده است؟
 (۱) مستفعلن فاعلاتن (۲)
 (۳) فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن
 (۲) مفاعیلن مفاعیلن فاعلاتن
 (۴) مفعولات مستفعلن (۲)

- ۸۰- براساس ضوابط علم قافیه، قافیه کدام بیت درست است؟
- (۱) چو مهتر بود بر تو رشک آوری
(۲) چه گفت آن خداوند تنزیل و وحی
(۳) پس مگو دنیا به تزویرم فریفت
(۴) یکایک از او بخت برگشته شد
- چو کهتر بود زو سرشک آوری
خداوند امر و خداوند نهی
ور نه عقل من ز دامش می‌گریخت
به دست یکی بنده بر کشته شد
- ۸۱- در بیت‌های زیر، معانی حروف اضافه مشخص شده به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟
- «به لشکر توان کرد این کارزار
یا روی تو آفتاب دیدم
به مردی و رادی به گنج و گهر
سپاس از خداوند خورشید و ماه
- (۱) وسیله - مقابله - استعلا - ابتدا
(۲) استعانت - استعانت - ترتیب - ابتدا
(۳) استعانت - استعانت - ترتیب - ابتدا
(۴) مقابله - استعانت - ترتیب - اختصاص
- ۸۲- کدام مورد درباره تنازع در بیت زیر درست است؟
- «گر نثار قدم یار گرمی نکنم
گوهر جان به چه کار دگرم آید باز؟»
- (۱) بین مفعول و نهاد
(۲) بین مفعول و متمم
(۳) بین مفعول و مسند
(۴) بین مفعول و مضاف‌الیه
- ۸۳- زمان افعال مشخص شده در جمله‌های زیر، به ترتیب معادل کدام زمان‌ها در فارسی امروز است؟
- (الف) این جایگاه بیامدم که گلبوی را می‌بینم و او را به فرخ روز می‌رسانم.
(ب) سلطان مسعود داهی‌تر و بزرگ‌تر و دریافته‌تر از آن بود که تا خواجه احمد بر جای بود، وزارت به کس دیگر دادی.
(ج) اگر شایستی همه به یکبار برفتمانی تا زود به خدمت شاه رسیدمانی.
(د) در اواخر شهر ربیع‌الاول مسرعان را بازگردانیده آمد و بر زبان ایشان در هر معنی پیغام‌ها ارسال افتاد.
- (۱) مضارع اخباری - مضارع اخباری - ماضی مستمر - ماضی ساده (معلوم)
(۲) مضارع اخباری - ماضی استمراری - ماضی مستمر - ماضی نقلی (مجهول)
(۳) مضارع التزامی - ماضی مستمر - ماضی استمراری - ماضی نقلی (معلوم)
(۴) مضارع التزامی - مضارع التزامی - ماضی استمراری - ماضی ساده (مجهول)
- ۸۴- کدام مورد درباره «نظریه دریافت» درست است؟
- (۱) در نظریه دریافت، خواننده می‌کوشد تا نیت مؤلف و معنای موردنظر او را بازسازی کند.
(۲) عمل خواندن، معادل با کشف معنای متن نیست بلکه فرایند تجربه تأثیر متن بر خواننده است.
(۳) اثر ادبی، جوهری فراتاریخی است و خواننده به مقدار افق انتظارات خود چیزی از نیت مؤلف درمی‌یابد.
(۴) نظریه دریافت در تأویل متن بر نقش خواننده تمرکز می‌کند و به نقش‌های دیگر بی‌اعتناست.
- ۸۵- مفاهیم سه گانه «ترتیب»، «تداوم» و «بسامد» در نظریه کدام نظریه پرداز طرح شده است؟
- (۱) ژرار ژنت (۲) جاناناتان کالر (۳) میخائیل باختین (۴) تزوتان تودورف
- ۸۶- کدام نظریه‌های ادبی را در یک خانواده می‌توان جای داد؟
- (۱) هرمنوتیک، فرمالیسم، ساختارگرایی
(۲) ساختارگرایی، پدیدارشناسی، فرمالیسم
(۳) نقد خواننده محور، فرمالیسم، پدیدارشناسی
(۴) هرمنوتیک مدرن، نقد خواننده محور، پدیدارشناسی

۸۷- کدام مورد درباره فرمالیسم نادرست است؟

- (۱) فرمالیسم کاربرد زبان‌شناسی (نوعی زبان‌شناسی صوری) در مطالعات ادبی است.
- (۲) نوع ساختارگرایانه‌تر فرمالیسم که یاکوبسن و تینیانوف مبتکرش بودند و در فرمالیسم چک ادامه یافت.
- (۳) فرمالیسم ما را از واقع شدن در مغالطه نیت / قصد برحذر می‌دارد و بر توجه به خود متن تأکید دارد.
- (۴) فرمالیسم ابتدا شعر را کلیتی متشکل از تمهیدات می‌دانست اما در مرحله بعد به کارکردها روی آورد.

۸۸- در بیت‌های زیر به ترتیب کدام صنعت ادبی دیده می‌شود؟

- | | |
|----------------------------|-------------------------------|
| مرد بی‌گوهر کجا آید به کار | الف) گوهرم باید که گردد آشکار |
| خانه دل مقعد صدق است و بس | ب) خانه نفس است خلد پر هوس |
| از تفاخر تاج‌ور زان آمدی | ج) صاحب سر سلیمان آمدی |
| تا به سرهنگی او افراخت سر | د) کوه را هم تیغ داد و هم کمر |
- (۱) تمثیل، اقتباس، تلمیح، ایهام
(۲) ایهام، تنسیق الصفات، استدراک، استخدام
(۳) ایهام، اقتباس، حسن تعلیل، استخدام
(۴) تجرید، تلمیح، حسن تعلیل، ایهام

۸۹- معنای بلاغی حرف «ی» در کلمه تماشایی چیست؟

- «مکدر است دل آتش به خرقة خواهیم زد»
(۱) تأکید (۲) تقلیل
(۳) تفخیم (۴) تعریض

بیا بین که کرا می‌کند تماشایی»

(۳) تفخیم (۴) تعریض

۹۰- کدام نکته بلاغی درباره بیت زیر درست است؟

- «شب چو عقد نماز می‌بندم»
(۱) اعتراض (۲) مساوات
(۳) ایجاز حذف (۴) ایجاز قصر

چه خورد بامداد فرزندم»

(۳) ایجاز حذف (۴) ایجاز قصر

۹۱- معنای ثانویه جمله امر در کدام گزینه درست است؟

- (۱) بر لب بحر فنا منتظریم ای ساقی
(۲) در کوی نیک‌نامی ما را گذر ندادند
(۳) فرصت شمر طریقه زندی که این نشان
(۴) هر که خواهد گو بیا و هر چه خواهد گو بگو

فرستی دان که ز لب تا به دهان این همه نیست = تعجیز
گر تو نمی‌پسندی تغییر کن قضا را = تعریض
چون راه گنج بر همه کس آشکاره نیست = درخواست
کبر و ناز و حاجب و دربان بدین درگاه نیست = بیان اذن

۹۲- نوع استعاره کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

- (۱) به گل خورشید را پوشیده می‌داشت
(۲) به لاله تخته گل را تراشید
(۳) ز سنبل کرد بر گل مشک بی‌زی
(۴) سمن را از بنفشه طرف بر بست

سر خم بر می جوشیده می‌داشت
به لؤلؤ گوشه مه را خراشید
ز نرگس بر سمن سیماب ریزی
رطب‌ها را به زخم ارغوان خست

۹۳- نوع تشبیه کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

- (۱) به بزمگاه چمن دوش مست بگذشتم
(۲) ز شرم آنکه به روی تو نسبتش کردم
(۳) بنفشه طره مفتول خود گره می‌زد
(۴) خمی که ابروی شوخ تو در کمان انداخت

چو از دهان توام غنچه درگمان انداخت
سمن به دست صبا خاک در دهان انداخت
صبا حکایت زلف تو در میان انداخت
به قصد جان من زار ناتوان انداخت

- ۹۴- کدام کنایه مشخص شده با تعریف «الکنایه لفظ ارید به لازم معناه مع جواز اراده معه» مطابقت دارد؟
- (۱) بگفت آنچه دانست و بایسته گفت
(۲) بیبا تا برآریم دستی ز دل
(۳) بسی کشتی جان بر خشک راندی
(۴) چو با عدل در صدر خواهی نشسته
- ۹۵- در کدام بیت، نوع کنایه متفاوت است؟
- (۱) ای خلیفه زاده بی‌معرفت
(۲) بیا که وقت بهارست تا من و تو به هم
(۳) صید بیابان سر از کمند پیچد
(۴) تا به گریبان نرسد دست مرگ
- ۹۶- کدام گزاره دربارهٔ قالب‌های شعر فارسی درست است؟
- (۱) رباعی دوازده شجره دارد.
(۲) مقتضب نام نوعی قصیده است.
(۳) تمام قالب‌های شعر فارسی از قصیده پدید آمده‌اند.
(۴) چهارپاره قالبی است با وزن دو بیتی که در قافیه تنوع دارد.
- ۹۷- معنی ثانویه کدام جمله خبری متفاوت است؟
- (۱) منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن
(۲) غلام حافظ خوش لهجه خوش آوازم
(۳) عاشق و رند و نظر بازم و می‌گویم فاش
(۴) من آن دلق مرقع را بخوام سوختن روزی
- ۹۸- از نظر سبک‌شناسی، توضیح دستوری کدام گزینه درست است؟
- (۱) فصلی خوانم از دنیای فریبنده به یک دست شکریاشنده و به دیگر دست زیرکشنده (استفاده از وجه وصفی به‌جای ماضی نقلی)
(۲) رضای عالی بوسهل را دریافته بود و به درگاه باز آمده و به ندیمی نشسته (استفاده از فعل ماضی در محل مضارع)
(۳) باید که وی نیز هم برین رود و میان دل را به ما می‌نماید و صواب و صلاح کارها می‌گوید (کاربرد وجه اخباری به جای وجه التزامی)
(۴) و سبیل قتلغ تگین آن است که برین فرمان کار کند اگر جانش به کار است و اگر محابایی کند، جانش رفت (کاربرد فعل اسنادی به جای وجه التزامی)
- ۹۹- با توجه به متن زیر کدام توضیح، مؤلفهٔ سبک‌شناسی محسوب نمی‌شود؟
- «هردی بود که او را یعقوب جندی گفتندی، شربری، طماعی، نادرستی و به روزگار سامانیان یک‌بار وی را به رسولی به بخارا فرستاده بودند و بخواست که خوارزم در سر رسولی وی شود؛ اکنون نیز او را نامزد کرد و هر چند بوسهل و دیگران گفتند، سود نداشت.»
- (۱) کاربرد «گفتندی» به جای می‌گفتند.
(۲) کاربرد «نامزد کردن» در معنی انتخاب کردن.
(۳) کاربرد اعلامی همانند خوارزم و بوسهل
(۴) کاربرد صفت با فاصله از موصوف مثل شربری
- ۱۰۰- در کدام بیت از نظر صور خیال مشخصه‌های سبک خراسانی نمایان است؟
- (۱) لب او بینی گویی که کسی زیر عقیق
(۲) اندر هوا شهاب تو گفستی همی رود
(۳) کردار تو در جسم جوانمردی جان است
(۴) خاک چون اشکال اقلیدس شد از شاخ گوزن
- به گل چشمه خور نشاید نهفت
که نتوان برآورد فردا ز گل
تو کشتی ران ز خشک و تر میندیش
نشانده در انگشتی مشتری را ...
- با پدر در معرفت شو هم صفت
به دیگران بگذاریم باغ و صحرا را
ما همه پیچیده در کمند تو عمدا
دست ز دامن نکنیم رها

